

به سلامت بگذرد، می‌تواند مخالفت‌ها یا ضدیت‌ها را در خود هضم کند و به تثبیت و ثبات برسد. چنانچه بخواهیم در این مرحله، علاوه بر امام خمینی - که «راهبر» اصلی مسیر انقلاب بودند - از شخصیتی نام ببریم که سهم زیادی در این ثبات و تثبیت داشتند، باید از شهید بهشتی یاد کنیم که به حق «مدیر» در صحنه نظام‌سازی بودند. اما حرکت انقلاب اسلامی در نظام‌سازی متوقف نمی‌شود. انقلاب اسلامی «افق تمدنی» دارد و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، «خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است» (بیانات، ۱۳۹۷/۷/۱۴). در این مرحله، سطح نیازمندی‌ها و در مقابل تهدیدها و مخاطرات، با سطح این موارد در مرحله نظام‌سازی تفاوت اساسی دارد و التقاطها، ناخالصی‌ها و لغزشگاه‌های آن، در مقایسه با مرحله نظام‌سازی، عمیق‌تر و خطرناک‌تر است. در این مرحله، اگر بخواهیم علاوه بر مقام معظم رهبری - که راهبر اصلی مسیر انقلاب هستند، از شخصیتی نام ببریم که سهم زیادی در محافظت از مسیر تمدن‌سازی و حرکت در این مسیر را داشتند، به حق باید از مرحوم علامه مصباح یاد کنیم؛ بلکه باید ایشان را فیلسوف و متفکر در زمینه حرکت از نظام اسلامی به سوی تمدن‌سازی اسلامی بدانیم. برای طی این مسیر به سه امر اساسی نیاز است که علامه مصباح در هر سه مورد کارهایی کم‌نظیر انجام داده‌اند:

۱. باورهای متقن و منطقی قوی (تولید فلسفه‌های مضاف که بنیادهای نظری ارکان تمدن، یعنی نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را تشکیل می‌دهند)؛

۲. دانش وسیع و کاربردی (تولید علوم انسانی اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار تمدن‌سازی)؛

۳. حفاظت‌های مطمئن (مواجهه با التقاطها و ناخالصی‌ها؛ رفع سوءتفاهم‌ها؛ دفاع از آرمان‌ها؛ و حفظ مرزهای باور).



در پایان گفتنی است، همان‌گونه که پاسداران و مرزبانان عملیاتی، مانند سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی، ضامن آزادی و استقلال یک ملت‌اند، مرزبانان باور و تفکر نیز بستر آگاهی و آزادی را فراهم می‌کنند. تمدن جز با آگاهی و آزادی محقق نمی‌شود و آگاهی و آزادی نیز جز با مرزگذاری و حفظ آنها به‌دست نخواهد آمد.

محمدعلی مصباح درزی

برجسته سازی نقش و مسئولیت دولت اسلامی و نهادهای تابع

لزوم ایجاد زمینه های محیطی از طریق نهادهای مربوط بویژه رسانه های جمعی مثل فرهنگ سازی، تبلیغ و ترویج احکام و حدود الهی، آگاهی دادن به وظایف و مسئولیت ها، ایجاد حساسیت های محیطی و...؛ [یا جامعه پذیری، اجرایی شدن عادی شریعت در گستره جامعه]

توجه به نقش و رسالت قاطع علما و روحانیون به عنوان مراجع فکری و الگوهای اخلاقی جامعه

توجه به تعدد و تنوع روش ها و شیوه های اجرایی به تناسب شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی (به بیان دیگر، شیوه های اجرایی این دو فریضه امری تعددی نیستند)

توجه به لزوم گونه شناسی و اولویت بندی انحرافات (مثل تمایز انحرافات فردی ناشی از گستاخی با انحرافات جمعی و برنامه ریزی شده)

توجه به نقش تشکل های مذهبی (بویژه هیات) برای مبارزه با مفاسد اجتماعی سازمان یافته (فراتر از اقدامات فردی)

توجه به اینکه اجرای امر و نهی نباید به اختلال نظم اجتماعی (اختلال نظام) منجر شود



مواظبت از اینکه مبدا خوف از ضرر یا احتمال عدم تاثیر، بهانه ای برای ترک وظیفه قرار گیرد (افراد ترسو معمولاً به محض اینکه کمترین احتمال خطر و ضرر در میان باشد، از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند)

نفی ضرورت داشتن موقعیت استعلایی در مقام امر و نهی، چه خود این در مواردی ممکن است مانع انجام وظیفه باشد

توجه به نقش عوامل بیرونی (مثل تهاجم فرهنگی دشمن) در کنار عوامل درونی در نشر مفاسد و انحرافات

بسط متعلقات امر و نهی از واجبات و محرمات دینی به امور مفید و مضر برای جامعه و نیز رعایت و تضييع حقوق انسانی

بسط متعلقات امر و نهی از واجبات و محرمات دینی به امور مفید و مضر برای جامعه و نیز رعایت و تضييع حقوق انسانی

تاکید بر استفاده از شیوه‌های نرم به جای خشونت، حفظ حداکثری آبرو و حیثیت اجتماعی افراد (به استثنای افراد متجاهر)، تذکار انحرافات اخلاقی افراد در لفاظیه و کنایه به جای تصریح و اعلان (تا مبدا اسباب شرمندگی ایشان گردد)، ترجیح استفاده از ابزارهای تشویقی به جای توبیخی و تنبیهی در صورت لزوم؛ رفق و مدارای عملی

# ویژگی‌های اندیشه علامه مصباح یزدی

لزوم احراز اذن حاکم عادل اسلامی (در صورت بسط ید) و فقیه جامع شرایط و آگاه به مصالح جامعه در مواردی که امر و نهی مستلزم اضرار مالی و جانی به دیگران بشود

توجه به اینکه هدف از اجرای این فریضه دست یابی به نتایج منظور است نه صرفاً ادای وظیفه و رفع تکلیف (= نتیجه گرایی به جای تکلیف محوری)